

تطبیق سیره عملی آیت الله فاضل با حضرت علی (علیه السلام) (بررسی موردی صفت عفو و گذشت)

چکیده

بی تردید، عفو و گذشت یکی از لازمه‌های حیاط اجتماعی است. عفو و گذشت یک صفت کمالی خداوند متعال است و کسانی که تحت تربیت الهی قرار می‌گیرند این صفت نفسانی در آن‌ها شکل می‌گیرد. حضرت علی (ع) یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر در تاریخ جهان اسلام که در عفو دشمنان و دوستان خود، نمونه‌ای ندارد. امیرالمؤمنین حتی در برابر غلامان و زیر دستان خود به شکلی عفو و گذشت داشتند که غلامان آن حضرت از دستورات ایشان اطاعت نمی‌کردند زیرا از این صفت بارز ایشان باخبر بودند. ایشان در برابر دشمنان خود نیز اینگونه عمل می‌کردند و همواره در بسیاری از پیشامدها از رفتار دشمنان خود چشم‌پوشی کرده‌اند. در جنگ صفین با وجود رفتار غیر انسانی لشکر معاویه و منع لشکر امیر المومنین از استفاده و برداشت آب، ایشان بعد از تسلط بر آب از رفتار آن‌ها چشم‌پوشی کرده و اجازه استفاده از آب را به آن‌ها دادند. و نیز ایشان در مقابل رفتار مردم بصره که روی فرزندان حضرت شمشیر کشیده بودند، رفتاری مانند رفتار پیامبر در فتح مکه داشتند. همچنین ایشان با ابن ملجم مرادی که قاتل ایشان بود، سفارش به مدارا کردن با او نمودند. در زمان معاصر نیز افرادی مانند آیت الله فاضل هستند که می‌توانند تداعی کننده و نمونه‌ای از رفتارهای امیرالمؤمنین را در عصر معاصر باشند. ایشان در برخورد با کسانی که توهین یا رفتار ناشایستی با ایشان داشتند، همواره با عفو و گذشت و چشم‌پوشی رفتار می‌کردند. این عالم متقی حتی با کسانی که در تأسیس مدرسه علوم دینی سنگ اندازی‌های متعددی داشتند، رفتاری پدرا نه و در مقابل رفتار آن‌ها، با مهربانی تقابل می‌نمودند.

**کلیدواژه: عفو، گذشت، سیره، سیره عملی، حضرت علی (علیه السلام)، آیت
الله فاضل استرآبادی**

مقدمه

در صحنه زندگی اجتماعی بشر، کمتر کسی را می‌توان یافت که از عیب پاک بوده و از لغزش مصون باشد. انسان‌ها مکرر دچار اشتباه و خطا هستند. اگر قرار باشد همه خطاکاران با هر وضعیتی که دارند مجازات شوند و هر کس بخواهد آزار و اذیت دیگری را تلافی کند و دیر یا زود از او انتقام بگیرد، دنیای انسان‌ها تبدیل به جهنم و زندگی ممکن نخواهد بود. این نکات نشان دهنده جایگاه واقعی مکارم اخلاقی، به ویژه اخلاق؛ عفو و گذشت است. عفو یکی از خصائص ارزشمند اخلاقی است. و به معنای گذشتن از گناه و ترک کیفر آن است و اصل و ریشه آن به معنی محو و نابودی است. یکی از راه‌های گسترش این اخلاق حسنه، عمل به سیره ائمه اطهار و علما که وارث انبیاء هستند، است. با توجه به اینکه یکی از عوامل گسترش مکارم اخلاقی انتشار سیره عملی ائمه و علمای اخلاق است؛ در این پژوهش عفو و گذشت را در سیره علمی امیر المومنین و آیت الله فاضل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

عفو و گذشت حضرت علی (علیه السلام)

آن حضرت احلم مردم و عفو کننده‌ترین مردمان بود از کسی که با او بدی کند و صحت این مطلب معلوم است از آنچه کرد با دشمنان خود مانند مروان ابن حکم و عبدالله بن زبیر و سعد ابن عاص که در جنگ جمل بر ایشان مسلط شد و ایشان اسیر آن حضرت شدند، آن جناب تمامی را رها کرد و متعزّض او نشد و تلافی نمود و چون بر صاحب هودج ظفر بافت به نهایت شفقت و لطفی مراعات او نمود و اهل بصره شمشیر بر روی او و اولادش کشیدند و ناسزا گفتند. چون بر آن‌ها غلبه کرد شمشیر از آن‌ها برداشت و آن‌ها را امان داد و اموال و اولادشان را نگذاشت غارت کنند؛ و نیز این مطلب نیز ظاهر است از آنچه در جنگ صفین با معاویه کرد که اول لشکر معاویه سر آب را گرفته ملازمان آن حضرت را از آن منع کردند بعد از آن آنجناب آب را از تصرف آن‌ها درآورد و آن‌ها را به صحرای بی‌آبی راند اصحاب آن حضرت گفتند شما هم آب را از آن‌ها منع فرما تا از تشنگی هلاک شوند و حاجت به جنگ و جدال نباشد، فرمودند و الله آنچه آن‌ها کردند من نمی‌کنم و شمشیر مغنی است مرا از این کار و فرمان داد تا طرفی از آب را گشودند تا لشکر معاویه نیز آب بردارند. (قمی، 1393، ص 287-288)

امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به حارث همدانی می‌نویسد: خشم را فرو بر و به هنگام قدرت گذشت کن و در وقت غضب بردبار باش. آنگاه که حکومت در دست توست، عفو و مدارا پیشه کن تا خوش عاقبت باشی. (شریف الرضی، 1387، نامه 69)

در تاریخ اسلام کسی را نمی‌توان یافت که مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) به حلم و گذشت آراسته باشد. او در تمام حالات، در اوج قدرت و در موقعیت‌های بسیار حساس، در برابر نادانی نادانان و حتی در برابر دشمنان خود خویشتن دار و حلیم بود و بدی آنان را نادیده می‌انگاشت. حضرت علی (علیه السلام) در گفتار و کردار خود به گونه‌ای به این صفت خدا پسندانه آراسته بود که حتی کارگران و خدمتگزارانش با دستاویز حلم آن امام همام نافرمانی می‌کردند. ابن شهر آشوب روایت می‌کند که روزی امیر مؤمنان (علیه السلام) چندین بار غلام خود را خواند ولی او پاسخ نداد. حضرت از خانه بیرون رفت تا غلام را بیابد، ولی او را کنار در خانه یافت. به او فرمود: «چرا پاسخ مرا ندادی؟» غلام گفت: از دادن پاسخ خسته بود و از عقوبت شما در امان. حضرت فرمود: حمد و سپاس خدایی را که مرا چنان قرار داده است که بندگان و غلامانم از من در امانند. بروای غلام که تو را در راه رضای خدا آزاد کردم. به همین مناسبت، اشجع این بیت را سروده است: و لسْتُ بخائفٍ لابی حسین و من خافَ الإلهَ قَلَفَ يَخَافُ

آری، حضرت نه تنها در برابر غلام متمرّد و سرکش خشمگین نشد و او را کیفر نداد، بلکه چون دانست که وی خسته بوده و خود را در امان دیده، در راه خدا آزادش کرد و خود نیز برای این صفت خدا پسندانه شکر بجای می‌آورد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره حلم حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «و لو كان الجلم رجلاً لكان علياً»؛ «اگر قرار بود حلم به صورت مردی ظاهر شود، بی‌گمان به صورت علی ظاهر می‌شد.»

ابن کواء، که از سران خوارج بود، با امیر مؤمنان (علیه السلام) برخوردهای بسیار خصمانه داشت. در تاریخ آمده است که روزی حضرت در مسجد کوفه مشغول عبادت بود.

این کواء برای توهین به حضرت این آیه را قرائت کرد: «وَلَقَدْ أَوْحَى إِلَيْكَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَنْ أَشْرَكَتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلِتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ.» «هنوز مشرکان جاهل از تو طمع شرک دارند و حال آنکه بر تو و به رسولان پیش از تو چنین وحی شد که اگر به خدا شرک آوری عملت را محو و نابود می گرداند و سخت از زیانکاران خواهی شد؟ (زمر/65) امیر مؤمنان (علیه السلام) در حال فریضه نماز بود و به احترام و تعظیم قرآن سکوت کرد. او دوباره آیه را به قصد اهانت تکرار کرد و علی (علیه السلام) نیز به احترام قرآن سکوت کرد. این کار سه بار انجام شد و حضرت در مرتبه سوم این آیه را در پاسخ قرائت فرمود: «فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتَخْفُكُ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ» پس توای رسول، صبر پیشه کن! وعده خدا البته حق و حتمی است و مراقب باش که مردم به یقین و ایمان، مقام حلم و وقار تو را کوچک نشمارند. (روم/60) سپس به رکوع رفت و نماز را به پایان رساند.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در پاکدلی، صفای ضمیر، مردانگی و عفو و چشم پوشی، حتی نسبت به دشمنان و مخالفان، چنان بلند مرتبه بود که همگان را به شگفتی و می داشت. آن حضرت در همه جنگ هایی که در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می جنگید و در همه نبردهایی که در عهد امامت و خلافت بر وی تحمیل شده در پایان جنگ، در دل از دشمنانی که شمشیر بر او برافروخته بودند، کینه و عداوتی نداشت و از آنان در می گذشت. مورخان مسیحی و مسلمان، همه بر این خلقت و خوی آسمانی علی (علیه السلام) گواهند که امام در جنگ جمل بر مرگ طلحه و زبیر غمناک شد و بر کشته های دشمن نماز گزارد و به محمد بن ابی بکر، پسر خوانده خود، فرمان داد خواهرش عایشه را پس از شکست و پراکنده شدن نگهبانان شترش، به جایی امن منتقل کند. یا درباره خوارج نهروان که آشکارا آن حضرت را کافر می خواندند بارها فرمود: مادام که به ما کاری ندارند با آنان کاری نداریم و سهمشان را از بیت المال می دهیم. اگر مجادله کردند، مجادله می کنیم و به اگر کشتار و تباهی دست زدند، به ناچار با آنان می جنگیم. با اینکه امام می دانست بیشتر خوارج در اشتباهند و رهبران شان کینه جویند، شعار «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» را با جمله «کلمه حق یراد بها الباطل» پاسخ می داد، چنان نرم و شکپا با آنان رو به رو می شد و با بحث و منطق در آگاه ساختنشان می کوشید که چند هزار نفر از آنان در کوفه به اردوگاه امام باز گشتند. ابن ابی الحدید می نویسد: مردم بصره با علی (علیه السلام) وارد جنگ شدند و به روی او و اولادش شمشیر کشیدند و ناسزا و لعنت نثارشان کردند؛ اما هنگامی که حضرت بر آنان پیروز شد، شمشیر از آنان برداشت و منادی آن حضرت در محل اجتماع بصریان ندا داد که هر کس از میدان جنگ عقب نشیند، تعقیب نمی شود و بر هیچ مجروحی حمله نمی شود و هیچ اسیری کشته نمی شود و هر کس سلاح خود را بر زمین گذارد، در امان است و آن کس که خود را به جمع لشکریان امام برساند، از جرمش چشم پوشی می شود و خانواده اش اسیر نمی گردد و مالش به غنیمت گرفته نمی شود. این در حالی بود که اگر امام علی (علیه السلام) می خواست می توانست آنان را عقوبت کند، اما او به چیزی جز عفو و اغماض نیندیشید و هیچ گاه به اعمال تند و خشن دست نزد و روشی مانند روش پیامبر در روز فتح مکه برگزید. او در حالی آنان را بخشید که هنوز کینه ها و حسادت ها از بین نرفته و بدی ها فراموش نشده بود. هنگامی که ابن ملجم بر حضرت علی (علیه السلام) ضربت زد و حضرت در بستر مرگ افتاد، پیش از شهادت درباره قاتل خود به نرمی و مدارا سفارش کرد و فرمود: من دیروز مثل شما بودم و امروز برای شما عبرتم و فردا از میان شما می روم. اگر زنده بمانم خود ولی خون خویشم و اگر بمیرم مرگ میعاد و قرارگاه من است. اگر ابن ملجم را ببخشایم برای من موجب تقرب به خداست و برای شما نیکی و حسنه است؛ بنابراین ببخشایید، «أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» آیا دوست ندارید خدا شما را ببخشاید؟! (شریف الرضی، 1387، نامه 432) جالب اینکه امام حسن (علیه السلام) ظرف شیرینی نزدیک آورد و به پدر شیر داد، آن حضرت کمی از آن را خورد، و فرمود بقیه آن را برای اسیرتان (ابن ملجم) ببرید، و به امام حسن (علیه السلام) فرمود: به آن حقی که بر گردن تو دارم در لباس و غذا، آنچه می پوشید و می خورید به ابن ملجم نیز بپوشانید و بخورانید. (مجلسی، 1396، ج 42، ص 289، عزیزی، 1380، ص 35)

عفو و گذشت حاج آقا فاضل

عفو و گذشت حاج آقا بسیار زیاد بود افرادی بودند که با ایشان برخورد بدی می‌کردند آن هم به گونه‌ای علنی این برخورد بد را انجام می‌دادند یا اینکه پشت سر ایشان بد و بیراه زیادی می‌گفتند و ایشان این حرف‌ها را می‌شنید یا اینکه اگر از پشت سر به ایشان بد و بیراه می‌گفتند به گوش ایشان می‌رسید، ولی ایشان در مقابل این توهین‌ها و اهانت‌ها چه حضوری و چه پشت سر هرگز برخورد بدی با آن‌ها نداشت بلکه آن‌ها را بیشتر محبت می‌کرد و بیشتر می‌رسید و به آن‌ها احترام بیشتری می‌گذاشت. گاهی اوقات بعضی از افراد خارج از حوزه می‌آمدند داخل حوزه نزد ایشان با لحن بسیار تند و بی‌محترمانه با ایشان برخورد می‌کردند ولی ایشان مقابله به مثل نکردند بلکه با کمال آرامش و با برخوردی پر از محبت و مدارا با ایشان صحبت می‌کرد به گونه‌ای که ایشان از برخورد بد خودشان پشیمان شدند.

یک روز یک بنده خدایی عصای ایشان را شکست ولی ایشان نگفت چرا این کار را کردی و باید یک عصای سالم برای من بیاوری و از حوزه اخراج هستی.

قبل از تأسیس حوزه علمیه فیضیه مازندران حاج آقا در مدرسه علامه حوزه را دائر کرده بود بعد از سال 62 که به دنبال افزایش وسعت آن حوزه بود با جستجوهای فراوان در نهایت مکان فعلی حوزه را برگزید، بزرگان شهر با تأسیس حوزه در آن مکان به شدت مخالف بودند و به خاطر این تصمیم حاج آقا را تحریم کردند و مانع تراشی کردند و مصمم بودند که از تأسیس حوزه جلوگیری کنند ولی حاج آقا با اراده پولادین بر این عزم ماند و تصمیم خود را به سرانجام رساند و تاکنون منشأ خدمات بسیاری از لحاظ علمی و عملی به کشور اسلامی ایران شد؛ اما در طول سالیان تولیتش بر این مدرسه این داستان را بیان می‌فرمودند و نتیجتاً از عفو همگانی در برابر سنگ اندازی که شد، می‌گفت. (جبارزاده، 1396، ص 324-323)

نتیجه گیری

بررسی سیره امیر المومنین و آیت الله فاضل (ره) که یکی از معلم‌های عامل و عامل زمان معاصر بوده‌اند؛ نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین همواره در زندگی و سیره علمی خود، انسان‌های اطراف خود و حتی دشمنان خود را مورد عفو و گذشت قرار داده و از خطاهای آن‌ها چشم پوشی کرده است. و آیت الله فاضل نیز به عنوان یکی از شاگردان مکتب علوی، همواره رهرو مکتب علوی بوده و در زندگی خود مانند امیر المومنین، کسانی را که دچار لغزش و خطا می‌شدند را مورد عفو و از خطای آنان چشم پوشی می‌کردند. و این نشان دهنده‌ی این است که می‌توان ایشان را به عنوان معلم اخلاق و سیره ایشان را، سیره الگوی معاصر معرفی کرد.

فهرست منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- 1. جبارزاده، سید مصباح‌الهدی، درس‌های ماندگار، جباری، قم، 1396.
- 2. راشد، اکبر، دانشنامه امام علی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و دانشنامه اسلامی، 1399.
- 3. عزیزی، عباس، سوگند نامه امام علی، قم، سلسله، 1380.
- 4. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، تهران، دارالکتب، 1393.
- 5. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم، دارالکتاب الاسلامیه، 1396.